

غزل شماره ۴۷۵

کفتند خلائق که تویی یوسف ثانی

چون نیک بیدم به حقیقت به از آنی

کفتند خلائق که تویی یوسف ثانی

چون نیک بیدم به حقیقت به از آنی

شیرین تر از آنی به شکر خنده که گویم

ای خسرو خوبان که تو شیرین زمانی

تشیه دهانت توان کرد به غنچه

هرگز نبود غنچه بدین تنگ دهانی

صد بار بگفتی که دهم زان دهننت کام

چون سوسن آزاده چرا جمله زبانی

کویی بدهم کامت و جانم بستام

ترسم زندهی کامم و جانم بستانی

چشم تو خدنگ از سپر جان گذراند

بیمار که دیده ست بدین سخت کمانی

چون اشک پندانش از دیده مردم
آن را که دمی از نظر خویش برانی

تفسیر فال

حسن و صفات ظاهری و باطنی شما به قدری متعدد و شایسته توجه هستند که هر کسی را مجذوب خود می‌سازند. شما نه تنها از گناه دوری می‌کنید بلکه کلامتان در دل‌ها همچون شکر شیرین و دلپذیر است، به گونه‌ای که همه از این طعم لذت‌بخش بهره‌مند می‌شوند. همچنین، شما آرزویی دارید که شاید رسیدن به آن را امری دشوار و حتی محال بدانید، اما با وجود این، استقامت و پایداری شما مثال‌زدنی است؛ چنان مقاوم هستید که هیچ چیزی نمی‌تواند روحیه‌ی امیدواری شما را تضعیف کند. در برابر مشکلات زندگی یا موارد ناامیدی پیش کسی اشک نریزید، زیرا دشمنان شما از این ضعف خرسند خواهند شد. برعکس، با اعتماد به نفس و اراده‌ای قوی به مسیر خود ادامه دهید تا نشان دهید که در برابر چالش‌ها تسلیم‌ناپذیر هستید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)